پژوهشنامه عرفان
دوفصلنامه علمی، سال دوازدهم،
شماره بیست‌وچهارم،
بهار و تابستان ۱۴۰۰ ،
صفحات ۶۸-۴۳

بررسی روش تربیتی الگویی در مثنوی‌های عطار با توجه به نظریه یادگیری شناختی- اجتماعی آلبرت بندورا

هاجر جمالی*/ مهین پناهی**

چکیده: عطار ازجمله شاعران و عارفان قرن ششم و هفتم هجری است که در آثارش به انسان و راه‌های رسیدن او به سعادت و کمال، بسیار توجه داشته است. وی برای تربیت شاگردانش (مریدان) از روش‌های مختلفی بهره گرفته است. یکی از این روش‌ها روشی است که امروزه با عنوان روش الگویی یا الگوپردازی مطرح می‌شود. ازاین رهگذر می‌توان دیدگاه عطار را به نظریهٔ یادگیری شناختی- اجتماعی آلبرت بندورا نزدیک دانست. پرسش این پژوهش این است که آیا بین روش تربیتی الگویی مورد استفاده در مثنوی‌های عطار و روش الگوبرداری مبتنی‌بر نظریهٔ یادگیری اجتماعی بندورا شباهت‌هایی وجود دارد. جامعهٔ مورد مطالعه، سه مثنوی عطار شامل *منطق الطیر*، *مصیبت‌نامه* و *الهی‌نامه* است. روش تحقیق، توصیفی – تحلیلی است. نتایج تحقیق نشان داد که با کاربرد نظریهٔ اجتماعی بندورا می‌توان بسیاری از اندیشه‌های عطار را تبیین کرد. روش تربیتی الگویی او با آنچه در نظریهٔ بندورا دراین‌خصوص گفته شده شباهت‌های زیادی دارد.

کلیدواژه‌ها: عطار نیشابوری، *منطق‌الطیر*، *الهی‌نامه*، *مصیبت‌نامه*، روش تربیتی الگویی، آلبرت بندورا

---

*دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه الزهرا و مربی دانشگاه علوم انتظامی (نویسنده مسئول)
e-mail: jamalis1349@gmail.com
**استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه الزهرا e-mail: m.Panahi@alzahra.ac.ir

مقاله علمی پژوهشی است. دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۳/۹؛ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۶/۲۷

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-18]

مقدمه:

تعاریف متعددی از تربیت ارائه شده است اما با وجود تعدد همهٔ آن‌ها اندیشمندان در یک امر توافق دارند و آن این است که تربیت مجموعهٔ تدابیر و روش‌هایی است که برای به فعلیت درآوردن ابعاد گوناگون انسان به‌کار گرفته می‌شود (شعاری‌نژاد، ۱۳۷۳: ۸۷).

موضوع تربیت، انسان است. انسان از دیدگاه اسلام و مکاتب الهی، دارای دو بعد جسمانی و روحانی (مادی و معنوی) است که هرکدام قابلیت تربیت دارد. تربیت اسلامی گستره‌ای فراگیر دارد و تمام ابعاد وجود انسان را در زمینه‌های مادی، معنوی، عقلی، عاطفی، اخلاقی، عرفانی، فردی و اجتماعی دربرمی‌گیرد (رهبر و رحیمیان، ۱۳۸۵ : ۹ و ۱۰).

آفرینش انسان با خداست اما نیکو کردن و تکمیل آن با خود اوست. به‌عبارت‌دیگر برخی آفریدگان در آغاز آفرینش، همان هستند که باید باشند و تنها آدمی است که باید بشود (غزالی، ۱۳۸۱ ، ج۳ : ۶۳) .انسان موجودی است که استعدادهای بالقوه‌اش، به‌تدریج و با تعلیم و تربیت مستقیم و غیرمستقیم به‌فعلیت می‌رسد..او از این طریق رشد می‌کند و به اوج می‌رسد و یا برعکس روی به سراشیبی و انحطاط می‌گذارد. بنابراین تعلیم و تربیت و چگونگی آن در زندگی هر انسانی نقش بسیار مؤثری ایفا می‌کند. ازسوی‌دیگر این امر با دشواری‌ها و پیچیدگی‌های فراوانی همراه است که می‌توان با فراگیری اصول صحیح تعلیم و تربیت، تا حد زیادی از این دشواری‌ها کاست.

اندیشمندان و عارفان مسلمان، ازجمله عطار نیشابوری در پرتو تعالیم انسان‌ساز اسلام به موضوع انسان و کمال و سعادت او و راه‌های رسیدن به آن پرداخته‌اند.. بررسی نظرات دانشمندان و متفکران و بزرگان علم و ادب، در حوزهٔ تعلیم و تربیت، می‌تواند راهنمای خوبی برای پژوهشگران و مربیان امروزی باشد. عطار ازجمله شاعران عارفی است که پیوسته در خدمت تعلیم و تربیت و تهذیب اخلاق مردم قدم برداشته و آثار بسیار گران‌بها و پرباری در این زمینه از خود برجای گذاشته است..وی نگاهی عمیق و حکیمانه به‌مسائل دارد. در نظام تربیتی عطار عوامل روان‌شناسی تربیتی چشم‌گیر است.. وی به یادگیری و مؤلفه‌های آن به شیوهٔ روان‌شناسانهٔ امروزی توجه داشته است. موفقیت عطار در تربیت انسان‌های مبتدی (مریدان) ضرورت توجه به شیوهٔ تربیتی و آموزشی وی را آشکار می‌سازد.

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-18]

نظریات مختلفی دربارهٔ آموزش و یادگیری وجود دارد که هرکدام از آن‌ها می‌تواند، پشتوانهٔ روش یا روش‌های خاصی در تعلیم و تربیت باشد. روش‌های آموزشی مورد استفادهٔ معلمان بسیار متنوع است. با وجود تنوع و گستردگی این روش‌ها، بسیاری از روان‌شناسان، مربیان و مؤلفان تلاش می‌کنند، آن‌ها را طبقه‌بندی نمایند تا مربیان بتوانند بهترین و مؤثرترین روش تدریس را انتخاب کنند.

عطار نیز برای به ثمر رساندن اهداف تعلیم و تربیت از روش‌های مختلفی بهره گرفته است. آثار عطار دربردارندهٔ روش‌های تربیتی از نگاه او می‌باشد که شایسته است این روش‌ها شناسایی و شناسانده شود. یکی از برجسته‌ترین این روش‌ها، روش الگویی است. این روش در روان‌شناسی تربیتی، ازجمله روش‌هایی است که با تکیه بر نظریهٔ یادگیری اجتماعی آلبرت بندورا شکل گرفته است.

با توجه به بررسی‌های انجام شده، مشخص شد تاکنون پژوهشی که به‌بررسی روش الگویی در آثار عطار باتوجه به نظریهٔ شناختی – اجتماعی (Cognitive-social) بندورا پرداخته باشد، انجام نگرفته است.در پژوهش حاضر تلاش بر این است که بدانیم تا چه حد روش تربیتی الگویی در مثنوی‌های عطار (*منطق‌الطیر*، *الهی‌نامه* و *مصیبت‌نامه*) با این نظریه هم‌خوانی دارد. بنابراین براساس نظریهٔ بندورا، به بررسی نمودهای روش الگویی در مثنوی‌های عطار پرداخته می‌شود. سپس برای این موضوع شاهد مثال‌هایی آورده، درنهایت بحث و نتیجه‌گیری انجام می‌شود.

بیان مسئله

روان‌شناسی و عرفان، دارای وجوه مشترکی هستند. اگر مطالعات تطبیقی در بین آن‌ها ادامه یابد به هردو کمک می‌کند تا آموخته‌ها و دریافت‌های خود را کامل‌تر نموده، به نتایج مفیدتری برسند. و از این طریق بسیاری از نیازهای فردی و اجتماعی انسان را پاسخ دهند (افراسیاب‌پور، ۱۳۹۰: ۶).

توجه و علاقه بیش ازحد به دیدگاه‌های تربیتی دانشمندان غربی، موجب غفلت ما از آموزه‌های تربیتی دانشمندان مسلمان سرزمین‌مان شده است. درحالی‌که گذشتگان ما سهم بزرگی در بنای فرهنگ و تمدن بشری داشته‌اند و می‌توان از اندیشه و کلام آن‌ها در حوزه‌های مختلف از جمله تعلیم و تربیت سود جست..آن‌ها به‌صورت مستقیم به مفاهیم و مؤلفه‌های روان‌شناختی نپرداخته‌اند، اما در دیدگاه‌ها و تعالیم آن‌ها، می‌توان ردپای مبانی فلسفی این مفاهیم را جستجو کرد.

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-18]

ازسوی‌دیگر پژوهش‌هایی از این دست که درواقع به گونه‌ای بین رشته‌ای و چندوجهی محسوب می‌شوند کمتر انجام گرفته است. سؤال این پژوهش این است که آیا بین روش تربیتی الگویی مورد استفاده در مثنوی‌های عطار (*الهی‌نامه*، *منطق‌الطیر* و *مصیبت‌نامه*) و روش الگوبرداری مبتنی‌بر نظریهٔ یادگیری اجتماعی بندورا شباهت‌هایی وجود دارد یا خیر و اگر شباهت‌هایی وجود دارد درچه مواردی است.

روش تحقیق

تحقیق حاضر از نوع تحقیقات توصیفی – تحلیلی است. روش انجام این پژوهش، روش «تحلیل محتوا» است. جامعهٔ آماری پژوهش شامل متن کامل کتاب‌های *منطق‌الطیر*، *الهی‌نامه* و *مصیبت‌نامه* عطار نیشابوری می‌باشد..جمع‌آوری اطلاعات نیز از طریق روش کتابخانه‌ای انجام گرفته است..

پیشینهٔ تحقیق

دربارهٔ موضوع این مقاله، تاکنون پژوهشی مستقل انجام نگرفته است. اما پژوهش‌هایی که به‌چگونگی تربیت از دیدگاه عطار پرداخته‌اند و یا خود عطار و آثارش را مورد توجه قرار داده‌اند بیش و کم در میان تحقیقات دیده می‌شود. ازجمله: روژین ناصری در مطالعه‌ای که با عنوان «چیستی و چگونگی تربیت صوفیانه: جستجویی در دیدگاه‌های عرفانی عطار نیشابوری» در سال ۱۳۹۴ در دانشگاه کردستان انجام داده، به این نتایج دست یافته است که عطار برای دستیابی به کمال و تخلق به اخلاق الهی طریق سیر و سلوک صوفیانه را به سالک می‌نمایاند و مسیری را که وی برای سعادت آدمی پیش‌روی قرار می‌دهد، شریعت، طریقت، حقیقت معرفی می‌کند. درواقع می‌توان اهداف غایی را به‌منزلهٔ حقیقت، اهداف واسطه‌ای را طریقت و اهداف جزیی را به‌منزلهٔ شریعت دانست.

پژوهش دیگری توسط حمایت محرمی نمرداشی با عنوان «اخلاق و تربیت در مثنوی‌های عطار (*منطق‌الطیر*، *مصیبت‌نامه*، *الهی‌نامه*)» در سال ۱۳۷۸ در دانشگاه شهید بهشتی تهران انجام گرفته که نشان می‌دهد: اخلاق از موضوعات مهمی است که فلاسفه، متکلمین و به‌خصوص عرفا آثار گران‌قدری از خود برای سعادت انسان‌ها در این زمینه به‌یادگار گذاشته‌اند که در این میان آثار عطار از ارزش والایی برخوردار است. او قالب داستان را برای طرح مسائل اخلاقی انتخاب کرده، و

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-18]

با زبان ساده و سمبلیک، فضایل و رذایل اخلاقی را که سعادت و شقاوت انسان در گرو عمل به آن‌هاست بیان کرده است..

محمد سالاری در مطالعه‌ای با عنوان «اخلاق و تربیت در دیوان عطار نیشابوری» که در سال ۱۳۷۹ در دانشگاه آزاد اسلامی انجام داده، به این نتیجه رسیده است که دیوان عطار گنجینه‌ای است سرشار از نکات اخلاقی، مخصوصاً توصیه‌های ارزشمند وی در زمینهٔ تهذیب نفس که بیان‌کنندهٔ جهان فکری اوست..

بررسی تطبیقی فلسفهٔ تربیتی عطار نیشابوری و فلوطین، عنوان پایان‌نامه‌ای است که سیده فاطمه صغری باقری در دانشگاه مازندران از آن دفاع کرده است دراین تحقیق، هدف تربیت، لزوم و ضرورت تربیت، نقش مربی و راهنما در تربیت، مراحل تربیت، موانع و آفات تربیتی و اصول و روش‌های تربیت، مورد بحث قرار گرفته است.

مقاله‌ای با عنوان «آشنایی با متون کهن فارسی با رویکرد به نظریهٔ یادگیری اجتماعی بندورا» توسط کیمیا امینی در سال ۱۳۹۶، در *فصلنامهٔ نقد* کتاب به‌چاپ رسیده است که یک کار میدانی است و تلاش کرده از شخصیت‌های داستان *منطق‌الطیر*، به‌عنوان الگوهای عملی برای کودکان استفاده کند.

مهین پناهی در مقاله‌ای با عنوان«بررسی و مقایسهٔ شیوهٔ آموزش تفکر نزد فریدالدین عطار و متیو لیپمن» که درسال ۱۳۹۰ در مجلهٔ *تفکر و کودک* چاپ شده، به این نتیجه رسیده است که این دو نفر در شیوهٔ آموزش خود از قصه و گفت‌وگو بهره برده‌اند و در روش هر دو، تعلیم تفکر و فلسفه موجب تغییر رفتار می‌شود.

نکتهٔ قابل ذکر دربارهٔ این مقاله و تفاوت آن با پژوهش حاضر این است که اولاً این مقاله فقط مربوط به کتاب *منطق الطیر* عطار است و ثانیاً نویسنده مقاله سعی کرده است که شیوهٔ گفت‌وگوی دوسویهٔ فریدالدین عطار را با مؤلفه‌های «آموزش تفکر» متیولیپمن مقایسه کند و این موضوع ارتباطی با نظریهٔ یادگیری بندورا ندارد. درخصوص مقالهٔ امینی نیز باید گفت که این پژوهش تنها مربوط به *منطق‌الطیر* عطار است. ازسوی‌دیگر نویسندهٔ این مقاله درصدد بوده است که با تکیه بر روش الگویی بندورا، داستان‌های جذاب و متناسب با سن دریافت ادراکی کودکان را از متون مختلف برگزیند و پس از بازخوانی و بازنویسی به‌صورت گفت‌وگوی گروهی مورد استفاده قرار

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-18]

دهد. بنابراین تلاش کرده است تا با معرفی الگوهایی که در *منطق‌الطیر* آمده، کودکان را تشویق کند تا اعمال و رفتار آن‌ها را تقلید نموده، برآن اساس به ایفای نقش بپردازند. درحالی‌که مقالهٔ حاضر مربوط به سه مثنوی *منطق‌الطیر*، *الهی‌نامه* و *مصیبت‌نامه* عطار است و هدف از آن نیز تحلیل و تطبیق دیدگاه‌های عطار، با توجه به نظریهٔ الگویی بندوراست. به این معنی که تلاش شده است درون‌مایه‌های تربیتی مثنوی‌های عطار با این نظریه تطبیق داده شود تا میزان هم‌خوانی و مطابقت آن‌ها مشخص شود.

تربیت

تربیت به‌جریان یا فرآیندی منظم و مستمر گفته می‌شود که هدف آن هدایت رشد جسمانی و روانی یا به‌طورکلی هدایت رشد همه جانبهٔ شخصیت تربیت‌شوندگان در جهت کسب و درک معارف بشری و هنجارهای مورد پذیرش جامعه و نیز کمک به شکوفا ساختن استعدادهای آنان است (سیف، ۱۳۹۴: ۲۱۳). تربیت بیش ازآنکه مجموعه‌ای از روش‌ها و صورت بندی‌های کتابی باشد ریشه در عوامل ناهشیار، زمینه‌های ناپیدا، آموزه‌های نامرئی و موقعیت‌های بدیهی و طبیعی زندگی واقعی و شخصیت پنهانی افراد دارد (کریمی، ۱۳۸۹: ۱۷). امیل دورکیم تربیت را عملی دانسته که به‌وسیلهٔ آن، نسلی بالغ و رسیده، نسلی را که هنوز برای زندگی پختگی لازم را ندارد، متأثر می‌کند و هدفش برانگیختن و گسترش حالت‌های جمعی، عقلی، و اخلاق متربی است (رفیعی، ۱۳۸۱، ج۴: ۹۱). به‌عبارت‌دیگر تربیت فراهم کردن زمینه‌ها و عوامل به‌فعلیت رساندن یا شکوفا ساختن استعدادهای شخص درجهت رشد و تکامل اختیاری او به‌سوی هدف‌های مطلوب و براساس برنامه‌ای سنجیده شده است (کاردان و همکاران، ۱۳۸۴: ۳۶۶). همچنین تربیت، فرآیند یاری‌رسانی به متربی برای ایجاد تغییر تدریجی در گسترهٔ زمان در یکی از ساحت‌های بدنی، ذهنی، روحی و رفتاری است که به‌واسطهٔ عوامل انسانی دیگر به‌منظور دستیابی وی به کمال انسانی و شکوفاسازی استعدادهای او و یا بازدارندگی و اصلاح صفات و رفتارهای او صورت می‌گیرد (اعرافی و موسوی، ۱۳۹۱: ۲۸- ۲۷).

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-18]

اهمیت تربیت

امانوئل کانت، معتقد است بشر تنها با تعلیم و تربیت آدم تواند شد و آدمی چیزی جز آنچه تربیت از او می‌سازد نیست (شکوهی، ۱۳۸۶: ۱۱). درواقع خلقت آدمی به‌گونه‌ای است که می‌تواند به کمالی که در وجود اوست متصف گردد؛ اما وصول به‌سعادت و کمال واقعی او جز در سایهٔ تربیتی صحیح امکان‌پذیر نیست. درحقیقت تربیت انتقال ارزش‌هاست (بلند همتان، ۱۳۹۲: ۵۷).

ارزش و جایگاه تعلیم و تربیت در اسلام به اندازه‌ای است که خداوند در قرآن ابلاغ رسالت رسول خود را برای هدایت بشریت با «اقرأ» شروع کرده است. هدایت بشر، تکامل، سعادت و تقرب به ذات اقدس الهی در گرو کسب معرفت و تحصیل علم و دانش است. و رشد و تربیت بشر تنها از این طریق امکان‌پذیر می‌باشد.

شیوه‌های تربیتی

تعلیم و تربیت مبتنی‌بر ضوابط، قواعد و سیاست‌گذاری‌های کلی است. این قواعد و ضوابط که اصول تعلیم و تربیت نامیده می‌شوند، از طریق روش‌ها عملی می‌گردند. روش تربیتی مناسب یکی از ارکان مهم و تأثیرگذار در فرآیند آموزش و یادگیری است..روش‌ها بسیار متنوع و گسترده‌اند. با توجه به شرایط و موقعیت گاهی یکی از آن‌ها و گاهی چند مورد توسط معلم انتخاب می‌شود. نظریه‌های یادگیری و تحقیقات روان‌شناسی، می‌توانند مربیان را در جهت انتخاب یا بهبود روش‌ها، یاری دهند.

عطار در عمل بسیاری از روش‌های تربیتی را به‌کار برده است..وی نه به خاطر آنچه تعلیم کرده بود بلکه به خاطر شیوه‌ای که تعلیم خود را بدان گونه بیان کرده بود، نزد هوشیاران اهل عصر مورد علاقه واقع بود (زرین‌کوب، ۱۳۷۹: ۱۷۶). ازجمله روش‌هایی که بیشتر مورد عنایت عطار بوده، برانگیختن انگیزه، عبرت‌آموزی، تشبیه معقول به محسوس، استفاده از تمثیل و حکایت، ایجاد عادت، تشویق، تنبیه، پند واندرز، گفتگو، تمرین و تکرار، مشاهده و الگوبرداری است.

اهداف تربیت

در تعلیم و تربیت، هدف امر مطلوبی است که برای رسیدن به آن باید روش‌ها و فعالیت‌های مناسب تربیتی به‌کار گرفته شود..بدون تردید هر مربی و معلمی با توجه به طرز فکر و نگرشی که دارد

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-18]

اهدافی را برای تعلیم و تربیت درنظر می‌گیرد.. هدف نقطهٔ آغاز برای هرگونه رفتار تربیتی است و هر فرآیند تربیتی، با توجه به هدف‌های آن آغاز می‌شود..

روان‌شناسان تربیتی اهداف تربیت را به هدف‌های کلی و غایی و هدف‌های رفتاری و دقیق آموزشی تقسیم می‌کنند. این هدف‌ها برخی نهایی و کلی‌اند و برخی جزئی یا واسطه‌ای می‌باشند..عطار نیز از تربیت اهدافی داشته است که برخی از آن‌ها غایی و نهایی و برخی میانی یا واسطه‌ای و برخی اهداف رفتاری به‌شمار می‌آیند. هدف نهایی تربیت در آثار عطار رسیدن به مقام قرب الهی و رسیدن انسان به کمال، یعنی رسیدن به تمام چیزهایی است که خداوند در وجود انسان کامل قرار داده است.

عطار

فریدالدین محمدبن ابراهیم عطار نیشابوری (۶۱۸-۵۴۰) ازجمله شاعران و عارفان قرن ششم و هفتم هجری قمری است. آثار بسیار زیادی به وی نسبت داده شده است که اغلب آن‌ها متعلق به عطار نیست. آثاری که درستی انتساب آن‌ها به وی تأیید شده است عبارت‌اند از: *منطق الطیر*، *الاهی‌نامه*، *اسرارنامه*، *مصیبت‌نامه*، *دیوان*، *مختارنامه* و *تذکرةالاولیا* (عطار، ۱۳۹۳: ۳۷). *منطق‌الطیر* یکی از برجسته‌ترین آثار عرفانی در ادبیات جهان به‌شمار می‌رود. موضوع آن گفت‌وگوی مرغان از یک پرندهٔ داستانی به‌نام سیمرغ است..مراد از طیور در این راه سالکان راه حق و مراد از سیمرغ وجود حق‌تعالی است. شیخ عطار در این داستان چگونگی سفر پررنج عارف سالک را در شاهراه وصول به حق شرح می‌دهد. دیگری *مثنوی الهی‌نامه*، داستان پادشاهی است که شش پسر دارد، همه را نزد خود می‌خواند و می‌خواهد که هرکدام بهترین آرزویی را که در زندگی دارند بازگویند تا او آن‌ها را برآورده کند. اما پادشاه به‌جای برآوردن این آرزوها، می‌کوشد تا حقارت و بی‌ارزش بودنشان را به ایشان بنمایاند و سعی دارد که پسرانش مقاصد و غایات والاتری برگزینند. درواقع هر کدام از پسرها با سخنان و خواست‌های خود یکی از وجوه روان‌شناسی انسان را نشان می‌دهند. *مصیبت‌نامه* نیز سفری روحانی به‌سوی همان مقصدی است که در *منطق‌الطیر* دیده می‌شود قهرمان اصلی این منظومه، «سالک فکرت» است. وی برای حل مشکل معرفتی خویش به تمام کائنات از جماد و نبات و حیوان، تا عناصر اربعه، تا بهشت و دوزخ، تا فرشتگان مقرب و عرش و کرسی، تا انبیای اولوالعزم

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-18]

به همه رجوع می‌کند و از همه در حل مشکل خویش یاری می‌طلبد و همه در این راه اظهار عجز می‌کنند..سرانجام در پایان این سفرنامه روحانی سالک فکرت به کمک پیر درمی‌یابد که آنچه او در طلب آن عمر و نیروی خویش را به هدر داده است، در درون و ذات وی می‌باشد.

تربیت از دیدگاه عطار

عطار، مربی و معلمی با جهان‌بینی اسلامی است که آرا و افکار او می‌تواند در نظام تعلیم و تربیت اسلامی مورد توجه و استفاده قرار گیرد. مبانی آرای تربیتی وی، قبل از هرچیز مایه‌های اسلامی است و قرآن و حدیث از منابع اصلی او به‌شمار می‌روند. عطار یک روانشناس بزرگ است که خصلت‌های روانی تیپ‌های متنوع انسانی را تحلیل می‌کند.

آرای تربیتی عطار مبتنی‌بر انسان‌شناسی عرفانی است. در این نگرش بدن ابزار روح است و حیات، اندیشه، اراده و حالات گوناگون انسان به روح وابسته می‌باشد. در نظر عطار، وجود انسان آینه و جلوه‌گاه حضرت حق است و در پایان سلوک روحانی خویش به حق واصل می‌گردد.. همهٔ کائنات طالب حق و جویای وصال او می‌باشند، اما وجود انسان که پذیرای محبت خداوند است در این میان از اهمیت خاصی برخوردار است. برای آنکه انسان مرتبهٔ واقعی خود را به‌دست آورد باید مراحل مختلفی را طی نماید..«

از محسوس و موهوم که دنیای شهوت و هوی است درگذرد، معقول و معلوم را که سرمایهٔ جاه و غرور است پشت سربگذارد و از معدوم و فانی که مایهٔ فریب و گمراهی است چشم فروپوشد تا به توحید واقعی که مقام فناست برسد و شایستهٔ مظهریت و خلافت حق شود (زرین‌کوب، ۱۳۹۷: ۲۲۲).

در این راه حجاب‌ها و عقبات سخت پیش می‌آید و سالک باید که از میان هفت وادی یا هفت مرحلهٔ دشوار و پرخطر عبور نماید و درنهایت پس از فنای خویش به بقای حق نایل گردد، جایی که دیگر چیزی جز حق باز نمی‌ماند..البته طی این مراحل بدون هدایت و ارشاد پیر امکان‌پذیر نیست..

بحث از آرای تربیتی عطار می‌تواند گوشه‌هایی از تربیت اسلامی و عرفانی را روشن سازد.

سه کتاب الهی‌نامه و منطق‌الطیر و مصیبت‌نامه عطار را باید بیان‌کنندهٔ یک دورهٔ کامل سلوک عرفانی دانست که به‌ترتیب مراحل شریعت و طریقت و حقیقت را می‌نمایند

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-18]

در الهی‌نامه مخاطبان اهل شریعت‌اند، در منطق الطیر اهل طریقت‌اند و در مصیبت‌نامه اهل حقیقت که از تجربه‌ای خاص و فراتر از عقل و حس برخوردارند (پورنامداریان، ۱۳۹۰: ۱۳۱و۲۹۲).

شیوهٔ تربیتی الگوبرداری

یکی از روش‌های تربیتی روشی است که از آن با نام‌های روش الگویی، الگوسازی، اسوه‌سازی، ارائهٔ اسوه‌ها، قدوه‌ها، اسوه‌پذیری و الگوگیری یاد می‌شود..دین مبین اسلام برای تربیت انسان‌ها از روش الگویی استفاده کرده و این روش را به دوصورت در قرآن بیان داشته است. به این ترتیب که در برخی از آیات اشخاصی را به عنوان نمونه و الگو معرفی می‌کند و به‌پیروی از آنان فرمان می‌دهد. در برخی آیات نیز رفتار الگوها و شرح زندگی آن‌ها ارائه می‌شود. ازجملهٔ این موارد می‌توان به استواری و ثبات قدم پیامبران و ادب بلیغ پیامبران در مقام سخن گفتن با خداوند اشاره کرد. در روایات اسلامی نیز به روش تربیتی الگویی، بسیار پرداخته شده است (بهشتی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۳۴و۲۳۵).

«اسلام پایهٔ روش تربیتی خود را بیش‌از هرچیز بر روش الگویی قرار داده است؛ زیرا عملی‌ترین و پیروزمندانه‌ترین وسیلهٔ تربیت، تربیت کردن با نمونهٔ عملی و سرمشق زنده است» (قطب، ۱۳۷۲: ۲۵۱ و ۲۵۲). ابن‌خلدون تقلید را در تعلیم و تربیت مؤثر دانسته و از آن با عناوین متعددی مثل محاکات، تشبه، اقتدا و قیاس و تلقین نام می‌برد..وی تقلید را از امور طبیعی شایع و معرف در افراد بشر می‌داند (ابن‌خلدون، ۱۹۸۸م: ۲۹ ، ۱۴۷ ، ۴۵۹ ، ۵۴۱).

در نزد عارفان نیز روش الگویی و پیروی از پیر و مراد، بسیار دارای اهمیت است. پیر از جهت رفتار و کردار الگوی مرید و متربی به‌حساب می‌آید. سهروردی به‌گفتهٔ خودش برای یافتن اسوه و الگو به‌سیر آفاقی پرداخت و در این راه رنج‌ها و سختی‌های بسیاردید. او می‌گوید:«سن من نزدیک سی سال است و بیشتر عمرم در مسافرت به منظور یافتن مشارک مطلع گذشت».(سهروردی، ۱۳۷۲، ج۱: ۴۴۳ و ج۳: ۲۵۱و۲۵۲).

مولوی نیز در قسمت‌های مختلف *مثنوی* به اهمیت این روش اشاره دارد ازجمله زمانی‌که طفلی بر پشت بام قرار داشت و احتمال افتادن او وجود داشت، کودک با مشاهده کودک دیگر و تقلید از عمل او به سلامت از پشت بام پایین می‌آید (رک: مولوی، ۱۳۷۵، دفتر چهارم: ابیات ۲۶۶۴ و ۲۶۶۵).

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-18]

الگوپردازی در روان‌شناسی

در روان‌شناسی، اصل الگوپردازی به فرایندی شناختی – رفتاری گفته می‌شود که فرد درنتیجهٔ مشاهدهٔ رفتار دیگران، رفتار خود را تنظیم می‌کند..اندیشمندان بزرگی مانند پیاژه، روان‌شناس سوئیسی و موریس دبس، در تعلیم و تربیت روش اسوه‌سازی و الگوگیری را مورد توجه قرار داده‌اند و آن را از عوامل مهم رشد و نیز زمینهٔ اساسی یادگیری اجتماعی دانسته‌اند (دبس، ۱۳۶۸: ۴۴-۳۰) . *جان لاک* می‌گوید: «از طریق سرمشق است که روح کودک پرورش می‌یابد و تنها از این راه است که تربیت با ارزشی به طفل می‌توان داد» (شاتو، ۱۳۵۵: ۱۴۵).

وجود غریزهٔ تقلید در انسان، زمینه‌ساز تأثیر الگوها است که در روش تربیت الگویی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

روش‌های یادگیری اجتماعی (الگوبرداری، مشاهده، و عبرت‌آموزی) به‌طور مداوم به‌وسیلهٔ معلمان در کلاس‌های درس به‌کار گرفته می‌شود. به اعتقاد بندورا بیشتر یادگیری‌ها از طریق الگوبرداری (تقلید از رفتار دیگران)، مشاهده و یا تجربهٔ عبرت‌آموزی (یادگیری از نتایج رفتارهای موفق و ناموفق دیگران) فراهم می‌شود.(لطف‌آبادی، ۱۳۸۶: ۲۳۸ ، ۲۳۹و۲۴۱). تحقیقات حاکی از آن است که ما مهارت‌ها و بسیاری از نگرش‌ها را از دیگران الگوبرداری می‌کنیم(Miller 1993,240).

آلبرت بندورا و نظریهٔ یادگیری شناختی - اجتماعی

آلبرت بندورا روان‌شناس کانادایی، بنیان‌گذار نظریهٔ شناختی – اجتماعی است. وی و همکارانش نظریهٔ یادگیری خود را مبتنی‌بر اصول تقلید (imitation) و سرمشق‌گیری (modeling) در سالهای ۶۵- ۱۹۶۳ طرح و تنظیم کردند. نظریهٔ بندورا ابتدا جزء نزدیک‌ترین نظریه‌های شناختی به خانوادهٔ روان‌شناسی‌های رفتاری محسوب می‌شد و از آن‌ها سر برآورده بود، اما با گذشت زمان به‌تدریج صورت شناختی‌تر به‌خود گرفت. به‌نظر بندورا بیشتر یادگیری‌های آدمی به‌جای آنکه از طریق نتایج رفتار خود فرد شکل پیدا کند، مستقیماً از طریق الگوبرداری فراهم می‌شود (Schunk, 2000. 98). از نظر بندورا، بخش وسیعی از یادگیری‌های انسان با مشاهده و تقلید صورت می‌گیرد. در پژوهش‌های متعددی که توسط بندورا صورت گرفته، بر اهمیت سرمشق‌گیری تأکید شده است. در نظریهٔ بندورا، یادگیری از راه مشاهدهٔ الگوبرداری نام دارد.

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-18]

الگوبرداری به صورت «ایجاد تغییرات شناختی، عاطفی و رفتاری براثر مشاهدهٔ رفتارها یا توضیحات دیگران» (Moreno, 2010,287) تعریف شده است.

از شباهت‌های بین نظریهٔ بندورا و نظریه‌های رفتاری این است که هر دو مفاهیم تقویت و تنبیه را مورد استفاده قرار می‌دهند. در ضمن، هر دو به وجود عوامل کنترل‌کنندهٔ رفتار باور دارند. درحالی‌که رفتارگرایان محرک‌های بیرون از فرد را مهم‌ترین عامل کنترل‌کنندهٔ رفتار او می‌دانند، بندورا هم محرک‌های محیط زندگی فرد و هم عوامل شناختی را در کنترل رفتار مؤثر می‌داند (سیف، ۱۳۹۴: ۱۷۴). از نظر بندورا رویدادهای محیطی بر رفتار فرد تأثیر می‌گذارند و رفتار محیط را تحت تأثیر قرار می‌دهند. همچنین عوامل شخصی ازجمله باورها، نگرش‌ها، دانش و مانند این‌ها بر رفتار فرد اثر می‌گذارند و رفتار نیز متقابلاً از این عوامل تأثیر می‌پذیرد. به‌عبارت‌دیگر فکر بر عمل و عمل بر فکر تأثیرگذار است

آلبرت بندورا، یادگیری را از طریق مشاهده یا سرمشق بررسی نمود و بیشتر رفتار انسان را از طریق سرمشق یا نمونه، آموختنی دانست..روش سرمشق‌گیری او به روش سیر و سلوک عرفانی نزدیک است. (افراسیاب پور، ۱۳۹۰ : ۱۰۴ و ۱۷۶).

از نظریهٔ اجتماعی بندورا در مباحثی چون فرزندپروری و الگوپذیری نوجوانان و نیز باورهای خودکارآمدی و خودتنظیمی بزرگسالان استفاده می‌شود. علاوه‌بر این‌ها در فعالیت‌های روان‌درمانی و اصلاح رفتار و ارتباطات اجتماعی نیز این نظریه کاربرد دارد (سیف، ۱۳۹۴: ۱۸۶). بنابراین نظریه، نه‌تنها رفتارهای زیادی را از طریق مشاهده و تقلید یاد می‌گیریم بلکه می‌توانیم بعضی رفتارهای آموختهٔ خود یا دیگران که نامطلوب است تغییر دهیم. یادگیری مشاهده‌ای به این شرح صورت می‌گیرد: بندورا معتقد است که افراد رفتار خودشان را مشاهده می‌کنند و با توجه به معیارهای خودشان دربارهٔ آن داوری می‌نمایند..سپس براساس آن خودشان را تقویت و یا تنبیه می‌کنند (اسلاوین، ۱۳۸۵: ۱۸۶). خودکارآمدی، قضاوت درمورد اطمینان از توانایی‌های خود برای انجام دادن موفقیت‌آمیز یک تکلیف است (کدیور، ۱۳۸۵: ۱۴۱). مشاهدهٔ یک الگو که تکلیفی را به‌خوبی و با موفقیت انجام دهد می‌تواند احساس کارآمدی را در فرد افزایش دهد.

بندورا یادگیری از راه مشاهده یا همان الگوبرداری را در چهار فرایند یا مرحله توضیح داده است:

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-18]

توجه

عوامل زیادی در جلب توجه افراد دخالت دارند.. به‌طورکلی یادگیرندگان به الگوهایی توجه می‌کنند که دارای جذابیت، شهرت و شایستگی باشند و مورد احترام و تحسین دیگران قرار داشته باشند. علاوه بر الگو خود یادگیرنده نیز باید برای توجه کردن دارای استعداد و آمادگی ادراکی و شناختی لازم و سطحی از برانگیختگی باشد. در این مرحله باید الگوهای روشن و جالب در اختیار یادگیرندگان قرار داد.

یادسپاری

در این مرحله یادگیرنده فرصت پیدا می‌کند که رفتار الگویی که مورد توجه او قرار گرفته تمرین کند و به خاطر بسپارد.

بازآفرینی

یادگیرنده رفتارش را با رفتار الگو همانند می‌کند. و به اجرای رفتار مشاهده شده می‌پردازد. به اعتقاد بندورا، ذهن انسان صرفاً واکنش دهنده نیست بلکه زایشی، خلاق، پیش‌نگر و متفکر است. انسان‌ها عاملان تجربه هستند (هرگنهان و السون، ۱۳۸۹: ۱۲۶). از نظر او فراگیر دارای نقشی فعال، پویا و مؤثر است.

در اینجا نشانه‌های حفظ‌شده از الگوبرداری، به‌صورت سرمشق عمل می‌کنند تا یادگیرنده بتواند رفتار خود را با آنچه مشاهده کرده است مقایسه نموده، به‌تدریج رفتار خود را اصلاح و با رفتار الگو همسان سازد (کدیور، ۱۳۸۵: ۱۳۲).

در نظریهٔ شناختی – اجتماعی، خودکارآمدی، ارزیابی فرد از توانایی خود در انجام یک تکلیف است (Bandura, 1982, 93). بندورا دریافت که وقتی انسان در حال بررسی عمل است و یا به آن مشغول است، قضاوت‌هایی نیز از توانایی خود در انجام دادن وظایف گوناگون و شرایط آن‌ها به عمل می‌آورد.

مرحلهٔ انگیزشی

اگر یادگیرنده به‌خاطر رفتاری که از طریق مشاهده فراگرفته است، تقویت دریافت کند، آن رفتار را انجام خواهد داد. او فکر می‌کند که تقلید از این الگو شانس وی را برای دست‌یابی به‌نوعی از

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-18]

تقویت افزایش خواهد داد. یادگیرنده زمانی آنچه را مشاهده کرده به عمل درمی‌آورد که رفتار شخص الگو مورد تشویق یا پاداش قرار گرفته باشد. افراد با دیدن کسانی که برای انجام دادن رفتارهایی تقویت می‌شوند یاد می‌گیرند (Bandura, 1986,111). به این ترتیب رفتار توسط مشاهده‌کننده آموخته می‌شود. به این نوع پاداش، تقویت جانشینی (vicarious reinforcement) می‌گویند.

طبق اصل تنبیه جانشینی، اگر رفتار الگو مورد تنبیه واقع شود، مشاهده‌کننده از نشان دادن آن رفتار خودداری می‌کند. که به این نوع تنبیه، تنبیه جانشینی (vicarious punishment) گفته می‌شود. بنابراین چنانچه شخص الگو، به‌سبب رفتارش تقویت یا تنبیه شود، تقویت یا تنبیه او بر رفتار مشاهده کننده نیز تأثیر می‌گذارد.

مؤلفه‌های نظریهٔ شناختی- اجتماعی بندورا در مثنوی‌های عطار

توجه به سرمشق

یکی از بهترین وسیله‌های ایجاد الگوهای ذهنی و رفتاری برای متربیان و القای غیرمستقیم مفاهیم به مخاطبان روش قصه‌سرایی و حکایت‌پردازی است، زیرا داستان و حکایت، بیان واقعیات عینی و مشهود است که بیشترین تأثیر را در تربیت به همراه دارد.

قصه نه‌تنها پیام‌های مفیدی برای انسان‌ها دارد، بلکه اگر به گونه‌ای جذاب و مناسب طراحی و بیان شود، مخاطبان می‌کوشند خود را با شخصیت‌های آن قصه همانند سازند (بهشتی و همکاران، ۱۳۸۵، ج۲: ۲۴۹).

تأمل و تفکر در محتوای قصه‌ها افراد را از گرفتار شدن در رنج‌ها و محنت‌ها می‌رهاند و راهکارها و مسیرهای صحیح را به آنان می‌نمایاند. سلیمان نبی برای آب نوشیدن کوزه‌ای طلب می‌کند که از خاک مردگان نباشد. دیوی گلی از قعر دریا می‌آورد و با آن کوزه می‌سازند اما کوزه به سخن درمی‌آید و می‌گوید من فلان‌بن فلان هستم.

سلیمان کوزه را چون آب در کرد ز حال خویشش آن کوزه خبر کرد
که من هستم فلان بن فلانی بخور آبی چه می‌پرسی نشانی
(عطار، ۱۳۹۴: ۳۲۲)

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-18]

در مرحلهٔ توجه یادگیرندگان به الگوهای جذاب و موفق و مورد قبول توجه می‌کنند و به تقلید از آنان می‌پردازند (Bandura,1986. 179). یادگیرنده به سبب اهمیت و احترامی که برای سرمشق قائل است رفتار و کردار او را انجام می‌دهد (پارسا، ۱۳۸۰: ۱۷۰).

یادگیرنده از شخصی که موقعیت بالاتری دارد بیشتر الگوبرداری می‌کند. مشاهده‌کنندگان بیشتر از الگوهایی تقلید می‌کنند که به‌نظر آن‌ها مناسب هستند و نتایج پاداش‌بخشی داشته باشند.همچنین آن‌ها الگوهایی را دنبال می‌کنند که رفتارهایشان فرد را در دستیابی به هدف‌هایش کمک می‌کند. پیروی از الگو وقتی دیده می‌شود که بدانند قادر به یادگیری و اجرای آن الگوی رفتاری هستند (لطف‌آبادی، ۱۳۸۶: ۲۴۴). خصوصیات سرمشق (یعنی وجهه و اعتبار وی) و ویژگی‌های مشاهده‌گر (یعنی وابستگی به دیگران) از عوامل مؤثر در سرمشق‌گیری است (کدیور، ۱۳۸۵: ۱۳۳). مرغان در آغاز *منطق‌الطیر* هدهد را به عنوان الگو و رهبر می‌پذیرند. چون معتقدند او شایستگی این کار را دارد.

جمله او را رهبر خود ساختند　　گر همی فرمود سر می‌باختند
عهد کردند آن زمان کو سرور است　　هم درین ره پیشرو هم رهبر است
حکم حکم اوست، فرمان نیز هم　　زو دریغی نیست، تن، جان نیز هم
(عطار، ۱۳۹۳: ۳۰۳)

عطار برای پیش بردن داستان‌ها از سرگذشت پیامبران، اولیا و عارفان بلندمقام بهره برده و از این طریق کلامش را دلنشین و پربار ساخته است..وی با بیان ویژگی‌های خاص این افراد تلاش می‌کند توجه مخاطبان خود را به این افراد و شایستگی‌های آن‌ها، جلب نماید. این الگوها کسانی هستند که نزد مخاطب از شهرت شایستگی و محبوبیت برخوردارند.

چو ملک این جهان ملکی رونده است　　به ملک آن جهان شد هرکه زنده ست
اگر آن ملک خواهی این فدا کن　　به ابراهیم ادهم اقتدا کن
(عطار، ۱۳۹۴: ۳۱۱)

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-18]

یکی دیگر از این الگوها خضر است.خضر وارد قصر ابراهیم ادهم می‌شود

درآمد خضر بی‌فرمان در ایوان به صورت چون یکی مرد شتربان
چو ابراهیم او را دید ناگاه بدو گفتا «که دادت ای گدا راه»
(عطار، ۱۳۹۶: ۳۱۱)

قصر ابراهیم را کاروان‌سرا می‌خواند زیرا افراد و کسان مختلف به آن‌جا می‌آیند و می‌روند. ابراهیم ادهم در سخن او تأمل می‌کند و متنبه می‌شود. از آن پس مسیر زندگی او تغییر می‌کند

چو ابراهیم این بشنود در گشت چو گویی زین سخن زیر و زبر گشت
(عطار، ۱۳۹۴: ۳۱۲)

اگر می‌خواهی به محبوب برسی باید آیینهٔ دل از زنگار بزدایی. توجه به الگوی شناخته‌شده‌ای مثل حضرت یعقوب و انجام آنچه را که او انجام داده است تو را به نتیجهٔ مطلوب می‌رساند:

ترا گر یوسف محبوب باید نخستت دیدهٔ یعقوب باید
که تا آیینه‌ات زیبا نماید جمال بی‌نشان زیبا نماید
(عطار، ۱۳۹۴: ۳۹۱)

عطار می‌گوید اگر می‌خواهی جمال یوسف رابینی باید چشم زیبا بین داشته باشی.

ترا گر یوسف محبوب باید نخستت دیده یعقوب باید
که تا آیینه ات زیبا نماید جمال بی نشان پیدا نماید
(عطار، ۱۳۹۴ :۳۹۱)

عطار خطاب به عندلیب می‌گوید که همانند حضرت داود از درد عشق ناله سرکن.

مرحبا ای عندلیب باغ عشق ناله کن خوش خوش ز درد و داغ عشق
خوش بنال از درد دل داوود وار تا کنندت هر نفس صد جان نثار
حلق داوودی به معنی برگشای خلق را از لحن خلقت رهنمای
چند پیوندی زره بر نفس شوم همچو داوود آهن خود کن چو موم
(عطار، ۱۳۹۳ :۲۶۱)

در *مصیبت‌نامه* حکایتی از شیخ ابوسعید ابوالخیر نقل می‌شود که پیری در حمام از او می‌پرسد چرا حمام جایی خوش است. او پاسخ می‌دهد به این دلیل که اینجا چیزی از مال دنیا به همراه انسان

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-18]

نیست و اگر هم چیزی باشد از آن دیگران است. به این معنی که ما در این دنیا مالک چیزی نیستیم (عطار، ۱۳۸۸: ۲۳۹). اگر می‌خواهی چون مردان حق فارغ باشی از ملک و مال روی بگردان.

تا نگردانی ز ملک و مال روی — یک نفس ننمایدت این حال روی
روی، این ساعت بگردان از همه — تا شوی فارغ جو مردان از همه
(عطار، ۱۳۹۳ :۳۲۴)

سطح رشد یادگیرنده

یادگیری مشاهده‌ای درمورد همهٔ افراد به‌صورت یک‌سانی رخ نمی‌دهد. در این مورد عوامل گوناگونی نظیر سطح رشد یادگیرنده و وضعیت الگو ایفای نقش می‌کنند (Schunk, 2000, 203). یادگیرندگان عطار البته به این سطح از رشد دست یافته‌اند. عطار در ابتدای *منطق‌الطیر* هرکدام از مرغان را با اداتی مانند مرحبا و خه‌خه خطاب قرار می‌دهد. و از ویژگی‌های مثبت آن‌ها و ارتباطشان با سیمرغ سخن می‌گوید.

خه‌خه ای موسیچه موسی‌صفت — خیز موسیقار زن در معرفت
همچو موسی دیده‌ای آتش ز دور — لاجرم موسیچه‌ای بر کوه طور
(عطار، ۱۳۹۳: ۲۵۹)

مرحبا ای عندلیب باغ عشق — ناله کن خوش خوش ز درد و داغ عشق
حلق داوودی به معنی برگشای — خلق را از لحن خلقت رهنمای
(عطار، ۱۳۹۳: ۲۶۱)

یادگیرندگان عطار در حد قابل قبولی از معرفت و رشد قرار دارند..

بازآفرینی

یکی از مراحل یادگیری از راه مشاهده بازآفرینی است.

پژوهش‌های متعدد آموزشی نشان داده‌اند که کسب اطلاع از نتایج کار، یعنی بازخورد ساده بدون همراهی با تقویت یا تنبیه، بر رفتار یادگیرنده تأثیرات سازنده‌ای به‌جای می‌گذارد (گیج و برلاینر، ۱۹۹۲: ۱۷۸).

در مثنوی‌های عطار، فراگیر فعال، پرسش‌گر و مؤثر در جهت رسیدن به هدف است. در *منطق‌الطیر* مرغان برای رفتن به‌سوی سیمرغ عذرهایی آوردند و به‌دلیل ضعف‌هایشان قصد انصراف

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-18]

از پیمودن راه داشتند، اما پس از آنکه هدهد ارتباط مرغان را با سیمرغ بیان کرد، آن‌ها توانایی خود را بازیافتند و برای رفتن اشتیاق پیدا کردند و احساس خودکارآمدی در آن‌ها بیشتر شد.

چون همه مرغان شنیدند این سخن نیک پی بردند اسرار کهن
جمله با سیمرغ نسبت یافتند لاجرم در سیر رغبت یافتند
زین سخن یکسر به ره بازآمدند جمله همدرد و هم‌اواز آمدند
(عطار، ۱۳۹۳: ۲۸۴)

در جای دیگر مرغان از عظمت راه ترسیده‌اند و از هدهد به‌عنوان هادی، راهنمایی می‌خواهند.

پیش آمد بلبل و قمری به هم تا کنند آن هر دو تن مقری به هم
هر دو الحان بر کشیدند آن زمان غلغلی افتاد ازیشان درجهان
(عطار، ۱۳۹۳: ۳۰۵)

پس ازشنیدن سخنان هدهد (الگو) مرغان خود را بازمی‌یابند و احساس خودکارآمدی می‌کنند به‌طوری‌که مشاهدهٔ یک الگوی موفق می‌تواند احساس کارآمدی را در فرد افزایش دهد (کدیور، ۱۳۸۵: ۱۴۲). متربیان با خودکارآمدی بالا، تکالیف مشکل را با احتمال بیشتری انتخاب می‌کنند، تلاش بیشتری دارند، وقت بیشتری به تکالیف اختصاص می‌دهند و در انجام تکالیف فعالانه درگیر می‌شوند.

یادگیرندگان وقتی از الگویی پیروی می‌کنند که بدانند قادر به یادگیری و اجرای آن الگوی رفتاری هستند (Schunk, 2000,98). مرغان در *منطق‌الطیر* هدهد را به عنوان الگو و راهنما می‌پذیرند و عهد می‌بندند که هرچه او بگوید فرمان کنند.

چون شنودند این سخن مرغان همه آن زمان گفتند ترک جان همه
برد سیمرغ از دل ایشان قرار عشق در جانان یکی شد صد هزار
عزم ره کردند عزمی بس درست ره سپردن را باستادند چست
جمله گفتند این زمان ما را به نقد پیشوایی باید اندر حل و عقد
تا کند در راه ما را رهبری زان که نتوان ساختن از خود سری
حاکم خود را به جان فرمان کنیم نیک و بد هرچ او بگوید آن کنیم
(عطار، ۱۳۹۳: ۳۰۲)

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-18]

در *مصیبت‌نامه* سالک که بسیار مصمم و فعال است پس از هر بار شکست در رسیدن به مقصد به نزد پیر بازمی‌گردد و از او به عنوان کسی که الگو و راهنمای سالک است راهنمایی می‌خواهد. به او اعتماد می‌کند و سخنان او را می‌پذیرد.

سالک آمد پیش پیر کاردان دادشرح حال با بسیار دان
پیر گفتش هست عزرائیل پاک راه قهر و معدن مرگ و هلاک
خیز تا گامی به گردون برنهیم پس سر این دیگ پرخون برنهیم
(عطار، ۱۳۸۸: ۱۸۷)

عطار تلاش می‌کند با معرفی الگوهای موفق، به متربیان بیاموزد که به خودکارآمدی خود اعتماد داشته باشند و اجازه ندهند هیجانات منفی انگیزهٔ آن‌ها را کاهش دهد. در داستان *منطق‌الطیر*، هدهد در جواب متربی که می‌گوید من مخنث گوهر هستم و بین خوبی و بدی حیران مانده‌ام، تأکید می‌کند که این ویژگی در وجود هر کسی می‌تواند باشد. اگر این گونه نبود، بعثت پیامبران درست نبود. تو می‌توانی به‌تدریج به‌سوی صلاح حرکت کنی.

گفت باری این بود در هر کسی زان که مرد یک صفت، نبود کسی
گر همه کس پاک بودی از نخست انبیا را کی شدی بعثت درست
چون بود در طاعتت دلبستگی با صلاح آیی به صد آهستگی
(عطار، ۱۳۹۳: ۳۱۷)

انگیزش

تقویت در عملکرد و نگهداری یا تنظیم رفتار اهمیت دارد..در دیدگاه بندورا، رفتار با توجه به نتایج آن تنظیم می‌شود که یا ازسوی خود فرد (پاداش دادن به خود یا انتقاد از خود) یا ناشی از محیط می‌شود (Pervin& John,1997.201).

تقویت جانشینی

عطار در حکایاتی که از الگوهای مثبت سخن می‌گوید توجه متربی را به نتایجی خوبی که الگو به‌سبب رفتار یا عمل خود دریافت کرده است جلب می‌کند. بندورا نیز معتقد است افراد با دیدن کسانی که برای انجام دادن رفتارهایی تقویت می‌شوند یاد می‌گیرند (Bandura,1986, 98 ازجمله کارهایی که الگوها به‌خاطر آن‌ها پاداش دریافت کرده‌اند می‌توان به این موارد اشاره کرد:

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-18]

در راه حق قدم گذاشتن

همانند خضر در راه حق قدم بگذار. اگر چنین کاری انجام دهی همانند خضر مقامت از چرخ گردان نیز بالاتر خواهد رفت.گفته شده خضر راهنمای مردان راه و سرگشتگان است.

قدم نه چون خضر در راه مردان که گردت در نیابد چرخ گردان

(عطار، ۱۳۹۴ : ۱۲۹)

گذشتن از خواسته‌های مادی

عطار درضمن نکوهش شهوت‌پرستی داستان زن صالحه را نقل می‌کند که به سبب پاکدامنی، سرانجام به عاقبتی نیکو دست یافت. زنی که به دلیل داشتن حسن و جمال چندین بار در دام مردان شهوت‌پرست افتاد اما به سبب پاکیزه گوهر بودن هر بار نجات پیدا کرد. عاقبت نیز از همه آنچه برای او اتفاق افتاد سربلند بیرون آمد و آوازهٔ زهد و مستجاب الدعوه بودنش در همه جا پیچید.

نظیرش مستجاب الدعوه کس نیست زنی کو را ز مردان هم نفس نیست

(عطار، ۱۳۹۴ : ۱۴۱)

قناعت

سلیمان نبی بسیار قانع بود. به‌گونه‌ای که از طریق زنبیل‌بافی زندگی خود را می‌گذراند. خداوند سرانجام به سبب این قناعت ملکی در اختیار او قرار داد. تو نیز باید قناعت از سلیمان(ع) بیاموزی.

چنان ملکی از آنش بود صافی که قانع بود در زنبیل‌بافی

(عطار، ۱۳۹۴: ۳۳۷)

فانی شدن

اگر می‌خواهی به حق برسی باید ترک خود کنی و برای این کار به آهو و کارش در سحرگاه توجه کنی..گفته‌اند آهویی هست که چهل شبانه روز به جز گل خوش‌بوی چیزی نمی‌خورد.بعد از طی این چله سحرگاه سر برمی‌آورد و دم صبح بر جانش می‌گذرد.آنگاه از ناف او مشک خوشبوی پدیدار می‌شود و خلقی خریدار وی می‌گردند. وجود خاکی تو نیز می‌تواند روحانی و خوشبو شود.

به حق تا با خودی پی کی توان برد بلی از بی‌خودی این پی توان برد

اگر تو مشک هو خواهی درین راه مباش از آهویی کم درسحرگاه

(عطار، ۱۳۹۴ :۳۹۶)

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-18]

تنبیه جانشینی

عطار در مثنوی‌هایش، از افراد شناخته‌شدهٔ زیادی نام می‌برد که به دلیل رفتارهای نادرست به عقوبتی سخت گرفتار شده‌اند..او با بیان سرنوشت این افراد از متربیان می‌خواهد که از سرنوشت آن‌ها عبرت بگیرند و تلاش کنند که به سرنوشتی مشابه آنان دچار نشوند.. عطار با بیان نتیجه منفی که الگو به سبب رفتارش به آن رسیده متربی را آگاه می‌کند و او را از آن برحذر می‌دارد. در نظریه یادگیری بندورا به این نوع تنبیه، تنبیه جانشینی گفته می‌شود. یعنی اگر رفتار الگو یا سرمشق با تنبیه همراه باشد، تنبیه بر رفتار یادگیرنده تأثیر می‌گذارد و احتمال انجام آن رفتار ازسوی یادگیرنده کاهش می‌یابد. ازجمله مواردی که باعث شده افراد گرفتار شوند می‌توان به این موارد اشاره کرد.

تعلقات دنیایی

هرچیزی که حجاب راهست باید کنار بگذاری حتی یک سوزن ممکن است باعث بازماندن تو گردد؛.چنان‌که مانع رفتن حضرت عیسی شد. وقتی حضرت مسیح را به آسمان بردند در آسمان چهارم دیدند که از تعلقات دنیایی سوزنی به همراه دارد..پس دستور آمد که او را به خاطر این مایه تعلق دنیوی در همان جا که هست متوقف کنید. جای عیسی در قصه‌ها در آسمان چهارم است.

اگر چون پاک‌بازان می‌کنی کار — چو عیسی سوزنی با خود بمگذار
اگر جز سوزنی با تو بهم نیست — جز آن سوزن حجابت بیش وکم نیست

(عطار، ۱۳۹۵ :۱۲۶)

در ابتدای *منطق‌الطیر* هدهد به کبک گوهردوست خاطرنشان می‌کند که گوهر حتی سلیمان نبی را از رفتن بازداشته است..پس اگر می‌خواهی به جانان برسی از گوهر دل بکن. وقتی پیامبر بزرگی مثل سلیمان از این طریق از رسیدن به هدف بازمانده قطعاً این دربارهٔ تو هم به عنوان متربی صدق می‌کند پس باید از این کار بپرهیزی.

هیچ گوهر را نبود آن سروری — کان سلیمان داشت در انگشتری
گرچه زان گوهر سلیمان شاه شد — آن گهر بودش که بند راه شد
آن گهر چون با سلیمان این کند — کی چو تو سرگشته را تمکین کند
دل ز گوهر برکن ای گوهرطلب — جوهری را باش دایم در طلب

(عطار، ۱۳۹۳ :۲۷۲و۲۷۳)

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-18]

پیروی از نفس

شیخ صنعان، عارفی بزرگ با مریدان بسیار بود که در عهد خویش شهرت بسیار داشت و پیر وقت به‌شمار می‌آمد،.اما به دلیل اینکه فریفته دختری ترسا شد، دین و ایمان خویش بر باد داد و به دلیل پیروی از خواهش‌های نفسانی، گرفتار شد.

شیخ صنعان پیر عهد خویش بود　　در کمال از هر چه گویم بیش بود
شیخ بود او در حرم پنجاه سال　　با مریدی چار صد صاحب کمال
(عطار، ۱۳۹۳ :۲۸۶)

شیخ با داشتن ویژگی‌های مثبت فراوانی که عطار برای او ذکر می‌کند خواب می‌بیند که در سرزمین روم در مقابل بتی سجده می‌کند. تصمیم می‌گیرد با چهارصد تن از مریدانش به روم برود.در آنجا دختر ترسا را می‌بیند و دین و ایمان درمقابل عشق او می‌دهد.

عشق دختر کرد غارت جان او　　کفر ریخت از زلف بر ایمان او
شیخ ایمان داد و رسوایی خرید　　عافیت بفروخت رسوایی خرید
(عطار، ۱۳۹۳ :۲۸۷)

غرور و خودبینی

شیطان به سبب خودبینی، از مقام ملائکه به مقام شیطانی تنزل پیدا کرد.

جهد کن ای از رعونت راه بین　　تا نگردی همچو ابلیس لعین
از ملایک بوده شیطانی شوی　　اهرمن گردی و هامانی شوی
(عطار، ۱۳۹۴ :۱۲۶)

نتیجه:

عطار با بیان ویژگی‌های خاص الگوها، سعی می‌کند توجه مخاطبانش را به این افراد و شایستگی‌های آنان جلب نماید. آنچه عطار از احوال الگوها در ضمن حکایت‌ها می‌آورد، اغلب مطالب آموزنده و آگاهی‌بخشی است که متربیان از طریق آن نکاتی را می‌آموزند. بعضی رفتارها و کردارهای جدید را به کمک این الگوها فرا می‌گیرند و تعدادی از رفتارهای متربیان از این طریق تقویت می‌شوند. متربیان عطار، احساس خودکارآمدی دارند؛ زیرا راهنما این حس را هر بار با ارائه

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-18]

الگوهای شایسته در آن‌ها تقویت می‌کند. آن‌ها فعال هستند و تکالیف مشکل را برای انجام دادن انتخاب می‌کنند و آنچه از رفتار الگوها می‌آموزند بازآفرینی می‌کنند.

عطار در مثنوی‌هایش هم الگوهای خوب دارد و هم الگوهای بد. الگوهای خوب آن‌هایی هستند که مخاطب را به انجام عمل و یا رفتاری مشابه رفتار آن‌ها فرامی‌خواند..پیامبران، اولیا و برخی شخصیت‌های شناخته‌شده از این جمله‌اند. خضر، سلیمان، یوسف، داود، موسی، ابراهیم، ابراهیم ادهم، عیسی و... جزو الگوهای مثبت عطار به‌شمار می‌آیند که به جهت عملکردشان به نتایج خوبی دست یافته‌اند. عطار به متربیان می‌گوید اگر همانند این افراد رفتار کنند به نتایج مشابهی دست خواهند یافت (تقویت جانشینی).

الگوهای بد کسانی هستند که عطار مخاطبانش را از انجام اعمال و رفتار مشابه آن‌ها برحذر می‌دارد و هشدار می‌دهد که در صورت پیروی از شیوهٔ آنان به سرنوشتی مشابه سرنوشت آن‌ها گرفتار خواهند شد. (تنبیه جانشینی) یکی از مهم‌ترین این الگوها شیخ صنعان است که با وجود داشتن مریدان بسیار گرفتار شیطان شد و از مسیر درست منحرف گردید. شیطان، نمرود، فرعون، برخی حاکمان و... ازجمله این گروه می‌باشند.

نتایج پژوهش نشان داد بسیاری از آنچه بندورا، درخصوص روش الگویی، در قالب نظریه یادگیری اجتماعی ارائه داده است، عطار در ضمن مثنوی‌هایش برای آموزش متربیان به‌کار بسته است..مواردی از قبیل درجه اهمیت و صلاحیت الگو و توجه به او، بازآفرینی، تقویت جانشینی، تنبیه جانشینی، سطح رشد یادگیرنده، خودکارآمدی و... از این جمله‌اند.

بررسی آثار بزرگ ادبی و عرفانی، نشان می‌دهد که بسیاری از نظریاتی که امروزه به عنوان نظریات جدید ارائه می‌شود، قرن‌ها پیش به وسیله بزرگان علم وادب فارسی شناخته شده بودند و به‌کار گرفته می‌شدند. بنابراین بسیار به جاست که متون ادبی و عرفانی، ازجمله آثار عطار را از این زوایا بنگریم و از تجربیات و دانش صاحبان آن‌ها بیش از پیش در تعلیم و تربیت بهره بگیریم. منابعی این چنین ارزشمند، باید در بطن فرایند تعلیم و تربیت و به‌خصوص اسناد بنیادی تعلیم و تربیت، گنجانده شود و از رهنمودهای آن‌ها برای پر ثمر نمودن تحولات آموزشی بهره گرفته شود.

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-18]

کتاب‌نامه:

- ابن‌خلدون، عبدالرحمن. (۱۹۸۸م)، *مقدمه ابن خلدون*، بیروت: دارالفکر
- اسلاوین، رابرت ایی. (۱۳۸۵)، *روان‌شناسی تربیتی*، ترجمه :یحیی سید محمدی، تهران: روان.
- اعرافی، علیرضا. (۱۳۹۱). «تعریف تربیت و تطبیق آن بر حرکت فلسفی»، *نشریه تربیت اسلامی*. ش: ۱۴.
- افراسیاب‌پور، علی‌اکبر. (۱۳۹۰)، *روان‌شناسی و عرفان*، تهران: خرمشهر.
- امینی، کیمیا. (۱۳۹۶)، «آشنایی کودکان با متون کهن فارسی با روشی خلاقانه و پویا با رویکرد به نظریه یادگیری بندورا»، *فصلنامه نقد کتاب*، سال چهارم.
- بلندهمتان، کیوان. (۱۳۹۲)،. «جایگاه مفهوم ایمان در تربیت اسلامی»،*دو فصلنامه تربیت اسلامی*، سال هشتم، شماره ۱۶.
- بهشتی، محمد. (۱۳۹۰)، *آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن*، چاپ پنجم، تهران: سمت.
- بهشتی، محمد و همکاران. (۱۳۸۵)، *آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن*، تهران: سمت و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- _____ . (۱۳۹۱)، *تعلیم و تربیت و مبانی آن*، چاپ پنجم، تهران: سمت،
- پارسا، محمد. (۱۳۸۷)، *روانشناسی یادگیری براساس نظریه‌ها*، تهران: بعثت.
- پناهی، مهین. (۱۳۹۰)، «بررسی و مقایسه شیوه آموزش تفکر نزد فریدالدین عطار و متیولیپمن»، *مجله تفکر و کودک*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال دوم، شماره اول.
- پورنامداریان، تقی. (۱۳۹۰)، *دیدار با سیمرغ*، چاپ پنجم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
- دبس، موریس. (۱۳۶۸)، مراحل تربیت، ترجمه علی‌محمد کاردان، تهران: دانشگاه تهران.
- رفیعی، بهروز. (۱۳۸۱)، *آرای دانشمندان مسلمان در مبانی تعلیم و تربیت*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- رهبر، محمدتقی و محمدحسن رحیمیان.، (۱۳۸۵)، *اخلاق و تربیت اسلامی*، چاپ سیزدهم، تهران: سمت.

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-18]

- زرین‌کوب، عبدالحسین. (۱۳۷۹)، *صدای بال سیمرغ*، چاپ دوم، تهران: سخن.
- سهروردی، یحیی‌بن حبش. (۱۳۷۲)، *مجموعه مصنفات*، تصحیح سید حسین نصر، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- سیف، علی‌اکبر. (۱۳۹۴)، *روانشناسی پرورشی نوین*، چاپ هشتم، تهران: دوران.
- _____ . (۱۳۸۴). *سنجش فرایند و فراورده های یادگیری*. تهران: دوران
- شاتو، ژان. (۱۳۵۵)، *مربیان بزرگ*، ترجمه: غلامحسین شکوهی، تهران: دانشگاه تهران.
- شعاری‌نژاد، علی‌اکبر. (۱۳۷۳)، *روان‌شناسی رشد*، چاپ یازدهم، تهران: اطلاعات.
- شکوهی، غلامحسین. (۱۳۸۶)، *مبانی و اصول آموزش و پرورش*، مشهد، به‌نشر.
- عطار، فریدالدین، (۱۳۹۳)، *منطق‌الطیر*، تصحیح و مقدمه محمدرضا شفیعی کدکنی، چاپ سیزدهم، تهران: سخن.
- _____ . (۱۳۹۵)، *الهی‌نامه*، تصحیح و مقدمه محمدرضا شفیعی کدکنی، چاپ هفتم، تهران: سخن.
- _____ . (۱۳۸۸)، *مصیبت‌نامه*، تصحیح و مقدمه محمدرضا شفیعی کدکنی، چاپ چهارم، تهران: سخن.
- غزالی، محمد.(۱۳۸۱)، *احیاء علوم‌الدین*، ترجمه مؤیدالدین خوارزمی، تهران: علمی و فرهنگی.
- قطب، محمد. (۱۳۷۲)، *روش تربیتی اسلام*، تهران: پیام.
- کاردان، علیمحمد و همکاران. (۱۳۸۳) *درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی۱: فلسفه تعلیم و تربیت*، تهران: سمت.
- کدیور، پروین. (۱۳۸۵)، *روانشناسی تربیتی*، چاپ نهم، تهران: سمت.
- لطف‌آبادی، حسین. (۱۳۸۶)، *روانشناسی تربیتی*، چاپ سوم، تهران: سمت.
- مولوی، جلال‌الدین. (۱۳۷۵)، *مثنوی معنوی*، تهران: ناهید.
- هرگنهان، بی. آر و السون، میتو .اچ .(۱۳۸۹)، *نظریه‌های یادگیری*، ترجمه علی‌اکبر سیف تهران: دوران، سمت.
- Bandura, A (1982), "Self-Efficacy Mechanism in Human Agency", American Psychologist, No. 37

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-18]

- Bandura, A (1986). Social foudations of thought and action: A social-cognitive theory. Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall.
- Miller,P.H.(1993), Theories of Developmental Psychology,3rd ed, New York: Freeman
- Moreno,R. (2010).Educational Psychology.New York: John Wiley & Sons.
- Pervin, L.A and P.O.John (1997) , Personality:Theory and Reserch, 7th ed ,New York: John Wily and Sons.
- Schunk, D.H. (2000). Learning theories: An educational Perspective. Upper Saddle River,NJ: Prentice-Hall.

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-18]